



عباس آخوندی از پشت صحنه واگذاری بنگاه‌های دولتی سخن می‌گوید

خصوصی‌سازی وارونه


عکس:
علی محمدی


بمانجان ندیمی- روزنامه‌نگار / آن سوی پرونده خصوصی‌سازی چه بود؟ چه اشتباهاتی مسیر واگذاری‌های بنگاه‌های دولتی را منحرف کرد؟ آیا جریان‌های قدرت در این موضوع دخیل بودند؟ در این گفت‌وگو، **عباس آخوندی**، رئیس مؤسسه اخلاق و اندیشه شهروندی ایرانیان و وزیر پیشین راه و شهرسازی در دولت یازدهم و دوازدهم به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. او بحث را از آنجا شروع می‌کند که واگذاری‌ها با هدف دفع شر انجام شد و خشت کج از اینجا گذاشته شد. پس از آن به مسیر درستی اشاره می‌کند که هرگز در ایران طی نشد. یعنی ایجاد بازار. اتفاقاتی که برای لایحه اولیه قانون خصوصی‌سازی در مجلس افتاد و اقتصاد را غیر رقابتی کرد و به نهادهای عمومی غیردولتی سپرد. او در نهایت عنوان می‌کند ما که طرفدار خصوصی‌سازی بودیم، حالا به این نقطه رسیده‌ایم که می‌گوییم «مرحمت فرموده ما را مس کنید». البته این گفت‌وگو با راهکاری از سوی آخوندی همراه است که در ادامه می‌خوانید.

■ مجدد آن سال ۸۴ هم‌زمان با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ بود. اما با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ داستان هم پیچیده‌تر شد. چون در آن دوره نهادهایی تحت عنوان نهادهای عمومی غیردولتی ایجاد شد که عملکردشان به مراتب بدتر از بنگاه‌داری دولتی بود و خصوصی‌سازی را در همان ابتدای کار از معنای خود خارج کرد. بحث دیگری که هم‌زمان مطرح شد، سهام عدالت بود که بنگاه‌داری خصوصی در ایران را دچار منافع متعارض کرد و مستعد فسادپذیری ساخت. بنابراین، خصوصی‌سازی در ایران بسیار بد متولد شد و از روز اول برضد اهداف خود کار کرد.

■ در آن زمانی که خصوصی‌سازی شروع شد، بخش خصوصی قوی هم وجود داشت که دولت‌ها بخواهند این بنگاه‌ها را به آنها واگذار کنند؟ اهلیت‌سنجی برای این کار صورت می‌گرفت؟ در پاسخ به این سؤال دو بحث را مطرح می‌کنم. اینکه آیا بخش خصوصی قوی وجود داشته یا نه، در واقع داستان مرغ و تخم مرغ

■ همان‌طور که می‌دانیم خصوصی‌سازی در ایران از دهه ۷۰ بر اساس قانون آغاز شد. هدف اصلی هم این بود که بخش خصوصی واقعی امور را به دست بگیرد؛ به نظر می‌رسد که در این بیست و اندی سال این اتفاق نیفتاده؛ در واقع بنگاه‌داری دولت به صورت دیگری ادامه دارد. دلیل اینکه خصوصی‌سازی در ایران جواب نداد چه بود؟

خصوصی‌سازی در ایران با اتخاذ آگاهانه سیاست در تغییر رابطه دولت و بازار صورت نگرفت و با هدف دفع شر بود. بعد از جنگ، دولت با یک سری بنگاه‌هایی روبه‌رو بود که زیان‌ده بودند و نمی‌توانست آنها را اداره کند. برای اینکه از شر آنها خلاص شود، اقدام به خصوصی‌سازی کرد. در صورتی که در سایر کشورها، خصوصی‌سازی با هدف ارتقای کارایی بنگاه‌ها صورت گرفت و هدف این بود که اندازه بازار بزرگ شود، مالکیت بخش خصوصی، بنگاه‌ها و مالکیت آحاد مردم گسترش پیدا کند و دولت کوچک شود. این هدف در ایران به هدف ثانویه تبدیل شد و بعد از یک مدت متوقف شد و آغاز

ایران

۱۱۰